

کتابخانه عمومی آیت الله العظمی بروجردی  
موسسه تخصصی زبان و آموزش زبان فارسی  
تهران - خیابان ولیعصر - پلاک ۱۰۵  
تلفن: ۸۸۰۰۰۰۰۰ - ۸۸۰۰۰۰۰۱  
سایت: www.ketab.ir

www.ketab.ir

# سلوک با همسر

نه حرف من، نه حرف تو، حرف خدا

سرشناسه: ص. ج، ۱۳۴۳.  
عنوان و نام پدیدآور: سلوک با همسر: نه حرف من، نه حرف تو، حرف خدا/ص. ج.  
مشخصات نشر: تهران: تراث، ۱۳۹۱.  
مشخصات ظاهری: ۳۱۲ ص.  
شابک:

۹۷۸-۶۰۰-۹۳۵۱۰-۰-۸ ریال: ۱۲۵۰۰۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.

یادداشت: کتابنامه: ص ۳۰۱-۳۱۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
موضوع: سلوک- عرفان عملی- خانواده- جنبه‌های مذهبی- اسلام.  
موضوع: زناشویی- روابط- جنبه‌های مذهبی- اسلام.

رده‌بندی کنگره:

۱۳۹۳ ۸ اس ۱۸ ص BP۲۳۰/۱۷/

۲۹۷/۶۴

۲۹۹۳۰۵۶

رده‌بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:



نشر تراث

سلوک با همسر

ص. ج

بازخوانی روح ص - ز ص

ناشر: انتشارات تراث

لیتوگرافی و چاپ: اعتماد - قم

چاپ بیست و هفتم: زمستان ۱۴۰۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۵۱۰-۰-۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۳۰/۰۰۰ تومان

« کلیه حقوق چاپ و نشر و بهره‌برداری الکترونیکی برای مؤلف محفوظ است »

آدرس: تهران، میدان جمهوری اسلامی، جنب درب شرقی مترو نواب، پلاک ۵۶۷

کد پستی: ۱۳۱۱۹۱۷۵۶۳ تلفن: ۰۹۱۹۰۴۴۵۷۸۵ - ۰۹۱۹۷۴۷۷۷۱۰

WWW.nashretoraath.ir

سخن‌ناشر

در دنیایی که شرasher وجودش با تعلقات مادی گره خورده و روابط انسانی حاکم بر آن نیز با همین عیار موزن و سنجه قرار می‌گیرد، سخن از مدینه‌ی فاضله و روابط الهی میان انسانها هرچند بسان رؤیایی دست نیافتنی می‌نماید، لکن ضرورتش بر عقل سلیم پوشیده نیست. اما پرواضح است که در این بین ارتباط میان همسران از اهمیت بیشتری برخوردار است، چه آنان در حقیقت همچون ستونی برای خانواده بوده و خانواده نیز در حکم ستون جامعه. زین سبب به نظر می‌رسد که تعامل همسران، آنگونه که رنگ و بوی توحیدی به خود گرفته باشد می‌تواند این آسیب جدی را درمان نموده و بشریت را از بن بست فرهنگی پیش رو خارج نماید.

«سلوک با همسر» عنوان کتابی است که با تلاش و کوششی طاقت

فرسا در طی سالیان متمادی، توشه‌ای مناسب برای این مسیر پر پیچ

و خم فراهم نموده است. مولف محترم با تعمق در آیات قرآن مجید و روایات معصومین علیهم السلام و با بهره‌مندی از کلمات نورانی سالکان حقیقی صراط مستقیم و استفاده از محضر ره‌یافتگان به مقام قرب حضرت دوست، توانسته است مجموعه‌ای بدیع و کم نظیر در این زمینه تنظیم نماید و با زبانی گویا و دلنشین آن را به رشته‌ی تحریر درآورد. ما نیز خداوند سبحان را شاکریم که توفیق طبع این اثر ماندگار را نصیبمان نمود. در واقع این اولین اثر منتشر شده از «نشر تراث» است که به زیور طبع آراسته می‌شود و این مهم، شکرانه‌ی دیگری را می‌طلبد که صمیمانه از عنایاتش سپاسگزار و به توجهات بیش از پیشش امیدواریم باشد که مورد توجه و استفاده عاشقان و سالکان طریق قرب حضرت حق قرار گیرد و باقیات الصالحاتی برای نویسنده‌ی محترم و این کمترین باشد.

سید احمد طباطبایی ستوده

تهران - پاییز ۱۳۹۱

## فهرست مطالب

۱۵	..... سخن آغازین
۱۷	..... سه حکایت
۲۲	..... نکته
۲۵	..... ۱- محبوب ترین بنا
۲۷	..... ضرورت شناخت موانع و عوامل رشد و تعالی انسان
۲۹	..... تفاوت در خلقت
۳۰	..... تجرد و تأهل
۳۳	..... ۲- تکریم والدین
۳۶	..... نیکی به مادر
۳۷	..... سلب قابلیت های معنوی
۳۸	..... شایسته گویی و شایسته خوئی
۴۱	..... مادر داری اویس قرنی
۴۵	..... بایزید بسطامی
۴۷	..... درسی از سید اهل مراقبه
۴۸	..... حکایت عبدالصالح
۵۲	..... سفارش امام زمان

- رضایت حضرت احدیت ..... ۵۳
- دعا در حق والدین ..... ۵۵
- طریق سلوک با والدین ..... ۵۸
- ۳- حُسن خُلُق ..... ۶۱
- ۴- سوء خُلُق ..... ۶۵
- ۵- صبر بر سوء خُلُق ..... ۷۳
- دستورالعمل مرحوم قاضی ..... ۷۴
- شیخ ابوالحسن خرقانی ..... ۷۸
- ۶- حلم و پرهیز از شتاب‌زدگی ..... ۸۳
- توصیف آتش دوزخ ..... ۸۶
- رضوان الهی ..... ۸۷
- حدیث عنوان بصری ..... ۸۹
- جلوه‌ای از حلم مرحوم زاهد ..... ۹۰
- تندیس حلم ..... ۹۲
- ۷- رفق و مدارا ..... ۹۷
- مرز رفق و مدارا ..... ۱۰۱
- ۸- پرهیز از خشم و غضب ..... ۱۰۳
- دل‌جویی ..... ۱۰۵
- تباه شدن سرمایه ملکوتی ..... ۱۰۷
- سلب توفیق همراهی با خوبان ..... ۱۰۹
- محرومیت از سایه لطف الهی ..... ۱۱۰
- یاد خدا در همه حال ..... ۱۱۱
- تیرگی جان ..... ۱۱۲
- خشم برخواسته از رضای حضرت دوست ..... ۱۱۳
- ۹- توهین و تحقیر و ایذاء ..... ۱۱۷

- رنجاندن اولیای الهی..... ۱۲۱
- اذلال اهل ایمان..... ۱۲۶
- ۱۰- پوزش خواهی و پوزش طلبی..... ۱۲۹
- مراقبت در گفتار و رفتار..... ۱۲۹
- پوزش خواهی..... ۱۳۰
- مظالم عباد..... ۱۳۳
- پوزش پذیری..... ۱۳۶
- زشت ترین عیوب..... ۱۳۹
- فرسایش معنوی..... ۱۴۰
- صفح جمیل..... ۱۴۴
- حدّ پوزش پذیری..... ۱۴۵
- ۱۱- آتش قهر..... ۱۴۷
- دام شیطان..... ۱۴۷
- برتر از هر نماز و روزه‌ای..... ۱۴۹
- خاموش کردن آتش نزاع..... ۱۵۰
- سخت‌گیری‌های بی‌مورد..... ۱۵۱
- خروج از اسلام و محرومیت از رحمت خاصّه الهیه..... ۱۵۳
- مانع پذیرش عمل..... ۱۵۴
- شتاب مکن..... ۱۵۵
- ۱۲- انصاف..... ۱۵۹
- روایتی که کمرم را شکسته..... ۱۶۳
- آثار انصاف..... ۱۶۴
- انصاف و فتح باب ملاقات..... ۱۶۶
- ۱۳- مهرورزی..... ۱۷۱
- مهرورزی خالصانه..... ۱۷۲

- ۱۷۳ ..... جلوه‌های مهرورزی
- ۱۷۹ ..... کانون عشق‌ورزی
- ۱۸۵ ..... ۱۴- خوش‌گویی
- ۱۸۷ ..... سخت‌تر از زخم نیزه
- ۱۸۸ ..... ارزیابی شخصیت
- ۱۸۹ ..... زبان ارادت
- ۱۸۹ ..... دل رباتر شدن زندگی
- ۱۹۰ ..... ناسزاگویی به بادها
- ۱۹۳ ..... ۱۵- شریک در دعا
- ۱۹۳ ..... بارزترین جلوه مهرورزی
- ۱۹۷ ..... دوام برکت
- ۱۹۸ ..... او را به خدا بسپار
- ۲۰۰ ..... انتظارات پس از مرگ
- ۲۰۳ ..... ۱۶- همیاری و همکاری
- ۲۰۳ ..... انیت موهوم
- ۲۰۵ ..... خشنودی حق در خدمت به خلق
- ۲۰۸ ..... خدمت بی‌منت و خالصانه
- ۲۱۱ ..... ۱۷- هدیه دادن
- ۲۱۱ ..... ظهور دادن عشق درونی
- ۲۱۳ ..... محترم شمردن سلیقه و نیاز
- ۲۱۳ ..... قدرشناسی
- ۲۱۴ ..... جلوه‌ای از هدیه دادن خالصانه
- ۲۱۷ ..... ۱۸- تشکر و سپاسگزاری
- ۲۱۷ ..... ارزشمندتر از نیکی کردن
- ۲۱۹ ..... ناسپاسی از حضرت حق



- تنزل از مقام انسانی..... ۲۲۱
- روز ظهور حقایق..... ۲۲۱
- تشکر خالصانه..... ۲۲۳
- ۱۹- منت گذاری..... ۲۲۷
- تنافس در خیررسانی..... ۲۲۷
- صاعقه منت گذاری..... ۲۲۸
- نقص در توحید..... ۲۲۹
- دام گذاری شیطان..... ۲۳۶
- ۲۰- وفای به عهد..... ۲۳۷
- خلق رحمانی..... ۲۳۷
- خلق شیطانی..... ۲۳۸
- فطرت مخموره..... ۲۳۹
- ریشه بسیاری از کمالات..... ۲۴۰
- تنزل معنوی..... ۲۴۶
- ناتوانی از وفای به عهد..... ۲۴۸
- ۲۱- قناعت و ساده زیستی..... ۲۵۱
- ستودن انسان های کم هزینه..... ۲۵۲
- بردگی و اسارت..... ۲۵۴
- ضعف شخصیت..... ۲۵۵
- قطع طمع شیطان..... ۲۵۷
- قناعت در امور معنوی..... ۲۵۸
- ۲۲- پاسخ به نیازهای غریزی جنسی..... ۲۶۱
- آراستگی به اخلاق انبیا..... ۲۶۲
- وسوسه های شیطانی..... ۲۶۳
- ۲۳- تعاون..... ۲۶۷

- ۲۶۹ ..... قدرش را بدان
- ۲۷۳ ..... حجاب حق‌بینی
- ۲۷۴ ..... اعانت بر اثم
- ۲۷۵ ..... آتش‌سوزان جهنم
- ۲۷۶ ..... بهترین همسر
- ۲۷۹ ..... ۲۴- نیازمندی به موعظه و مطالعه
- ۲۸۲ ..... حضور در حلقه‌های ذکر
- ۲۸۳ ..... انس با کلمات اهل معرفت
- ۲۸۷ ..... ۲۵- سخن آخرین
- ۲۸۷ ..... از خود دم زدن هرگز!
- ۲۸۹ ..... تجربه‌آموزی
- ۲۹۱ ..... پای‌بندی به حقوق واجب
- ۲۹۳ ..... مشورت
- ۲۹۴ ..... ماه غسل
- ۲۹۸ ..... فراموش نکردن مقصد
- ۳۰۱ ..... کتابنامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا  
إحسانه لنسلكها بمنه إلى رضوانه والصلاة والسلام على  
أفضل من دعا إلى سبيل ربه بالحكمة والموعظة الحسنة  
سيدنا محمد وآله أجمعين لا سيما الإمام المبین الحجة  
القائم المنتظر المهدي واللعن الدائم على أعدائهم اجمعين.

## سخن آغازین

نهاد خانواده یکی از مهم ترین و اصلی ترین ارکان جامعه بوده و تأثیر  
شگرفی بر حیات فکری و فرهنگی و معنوی و ایمانی اجتماع داشته و نقش  
جدی در پویایی و سرزندگی و نشاط آن دارد که اگر به شدت از آن  
مراقبت و مواظبت شود، زمینه‌ی دست‌یابی به سعادت حقیقی و ابدی را  
برای طالب حقیقی قرب حضرت حق - جلّ جلاله - فراهم می‌سازد و از  
آنجایی که سالک عاشق دل‌داده‌ی حضرت جانان - جلّ جلاله - آرمانی جز  
توحید و کمال عبودیت ندارد، باید برای رسیدن به این هدف غایی و نهایی،  
زندگی و معاشرت و تعامل خویش با همسر و سایر اعضای خانواده‌اش را  
به گونه‌ای تنظیم نماید، تا پیوند همسری که منطبق با فطرت توحیدی و  
خواست محبوب ازلی و ابدی است، نردبانی برای صعود و فتح قله‌های

کمال انسانی باشد و چنین آرزویی دست یافتنی نخواهد بود مگر آنکه براساس معارف نورانی و کلمات حضرت حق - جل جلاله - و هدایت‌های او سُبْحَانَهُ و اولیای عظیم الشأنش - صلوات الله علیهم - روح معنویت و توحید و عبودیت را بر همه‌ی شئون زندگی خویش حاکم سازد.

سالک باید با الهام از اقیانوس کران ناپیدای معارف قرآن و عترت - علیهم السلام - با ظرافت‌های همسررداری آشنا شده و به مراقبه‌ی جدی از مرزهای مقدس نهاد خانواده بپردازد و آن را از تهاجم و سوسه‌های شیاطین جنی و انسی و راهزنان طریق بندگی و عبودیت، حفظ نماید و به این حقیقت توجه داشته باشد که اندک غفلتی ممکن است کانون زندگی‌اش را دچار بحران کرده و نه تنها راه رسیدن به توحید و کمال عبودیت و حیات طیبه و وصال حلال و محبوب - جل جلاله - به رویش سد شود و در سیر عبودی‌اش توقف و ایستایی ایجاد گردد، بلکه بازنده‌ی امتحانات دائمی و شبانه‌روزی در محیط زندگی‌اش شود. او در وادی حرمان و انحطاط و سقوط کشیده شده و در سیر نزولی قرار گیرد.

از آیات الهی که اهل فکر را باید به تدبیر و اندیشه وادارد آن است که ذات اقدس حضرت احدیت - جل جلاله - بین زوجین، مودت و رحمت را قرار داده است: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»<sup>۱</sup> تا زندگی دنیایی و آخرتی آدمی به کمال مطلوب خود برسد.

عارف واصل، حضرت علامه‌ی طباطبایی - قدس سره - که همواره حلقه‌ی بندگی خدا و غلامی حضرات معصومین - صلوات الله علیهم - را بر گوش داشت و رمز فتوحات لایدرک و لایوصف معنوی‌اش بود و طالبان

کمال را به آن دعوت می نمود، با الهام از این آیه مبارکه می فرماید: «از روشن ترین و بارزترین جلوه گاه های مودت و رحمت، جامعه ی کوچک خانواده می باشد»؛ «مِنْ أَجْلِ مَوَارِدِ الْمَوَدَّةِ وَالرَّحْمَةِ، الْمُجْتَمَعُ الْمَنْزِلِيُّ»<sup>۱</sup>.

پس خواست حضرت حق - جل جلاله - آن است که خانواده، کانون مودت و رحمت باشد و از آنجایی که سالک عاشق، نمی تواند خواسته های جز خواسته های محبوبش داشته باشد، باید با شناخت کامل موانع، آنها را از سر راه بردارد و بکوشد تا این رحمت و مودت خدادادی که از عناصر مهم اخلاقی محسوب می شود آسیمی نبیند و روز به روز تقویت شده و بر استحکام آن افزوده گردد و جلوه و ظهور بیشتری داشته باشد و محیطی شاداب و نورانی و معنوی ایجاد نماید.

### سه حکایت

۱- قبل از آنکه تشکیل زندگی دهم و همسر اختیار کنم، برنامه ی روزانه ام این بود که نوعاً صبح زود به حرم مطهر حضرت فاطمه ی معصومه - سلام الله علیها - مشرف می شدم و پس از انجام برنامه های عبادی و درسی، منتظر می ماندم تا در راه بازگشت فقیه عارف، حضرت آیه الله بهجت - قدس سره - از حرم به منزل، سؤالات خود را از ایشان پرسش نمایم و بهره های اخلاقی خود را ببرم که آثار و برکات زیادی را به همراه داشت. این برنامه، پس از ازدواج نیز ادامه پیدا کرد تا اینکه روزی آن بزرگ مرد عارف روشن ضمیر، بی مقدمه فرمودند: «برنامه ی هر روز شما اینگونه است؟!» عرض کردم بله. فرمودند: «بد نیست که بعضی روزها به

درس نیاید و به خانواده رسیدگی نمایید؛ مرحوم مظفر بعضی از روزها به درس نمی‌آمد و شبها نزد دوستان می‌آمد و از نوشته‌های آنها استفاده می‌کرد». از این پرسش و توصیه‌ی آن عارف واصل فهمیدم که رمزی در کار است و گره‌ای برکارم افتاده که آن مرد تیزبین الهی خواسته‌اند گره‌گشایی و غفلت‌زدایی نمایند و به این حقیر اسیر شده‌ی در اوهام و خیالات بفهمانند که این روشی که قبل از ازدواج داشته‌ای، بعد از ازدواج باید به گونه‌ای باشد که حقی از حقوق کثیر شریک زندگی‌ات فوت و تضییع نگردد.

پس از آنکه نزد خانواده آمدم و از او سؤال کرده و نظرش را جویا شدم، متوجه شدم که او از اینکه بیشتر ساعات شبانه‌روز را تنها و دور از همه‌ی اقوام و خویشان بیرون‌دور می‌گذرانیدم، متعجب شده و اظهار نمی‌کرده است؛ و همین ایجاد کدورت‌ها و تضییع حقوق‌هاست که خار راه طریق بوده و مانع بهره‌برداری‌های معنوی و کشف حقایق آنها می‌شود و از برکات تلاش‌های علمی و عملی آدمی می‌کاهد.

۲- شیخ عارف کامل ما، حضرت حجة الحق مرحوم آية الله پهلوانی - قدس سره - در جلساتی که با جمعی از اصحاب سلوکی خود داشتند، هر چندگاه تذکراتی راهگشا و هدایت‌های دلسوزانه‌ای نسبت به رعایت حقوق خانواده و پرهیز از سخت‌گیری‌های غیرلازم داشته و آثار زیان‌بار کوتاهی در انجام وظایف همسری و از دست دادن سرمایه‌ها و اندوخته‌های معنوی و اخروی را یادآور شده و تأثیرات آن را در سلوک الی‌الله متذکر می‌شدند.

در یکی از جلساتی که پس از زلزله‌ی معروف شهرستان بَم تشکیل شد فرمودند: «زلزله که امتحان سختی نیست، این امتحان را نوعاً آدم‌ها خوب از عهده‌اش برمی‌آیند، خداوند اگر بخواهد شما را امتحان کند، با همسران امتحان می‌کند که شبانه‌روز با او سر و کار دارید، گاهی به خانه می‌آیید، همسران بدون مقدمه حرفی که باب میل شما نیست می‌زند، که اگر مراقب نباشید، با یک گفتار و رفتار نامناسب در مقابل او، اندوخته‌های معنویتان را بر باد می‌دهید».

از این تذکر، به فکر فرو رفته‌ام و با نفس خویش چنین حدیث کردم که در تعامل و معاشرت با همسر، مراقبت‌ها و مواظبت‌های دائمی و شدیدی لازم است، چرا که همیشه با او سر و کار داری و با اندک غفلتی ممکن است حقی از حقوق کثیر او محو گردد و به وادی هلاکت سقوط نمایی و به حسرتِ حرمان از نعمت‌های معنوی مبتلا شوی و از الطاف خاصی حضرت حق - جلّ جلاله - محروم گردی از نظر او بیفتی.

۳- در ایامی که عارف واصل، موحد عظیم‌الشان، سیدنا الاستاد<sup>۱</sup> - روحی فداه - به سختی بیمار و زمین‌گیر شده بودند و ضعف شدید، توان انجام ابتدایی‌ترین کارهای روزمره‌ی زندگی را از ایشان سلب نموده بود، نزدیک اذان ظهر، در حالی که آهنگر در منزل ما مشغول به کار بود، زنگِ تلفن به صدا درآمد و دیدم که حضرت ایشان می‌باشند. فرمودند:

۱. زاهد واصل، عارف کامل، موحد عظیم‌الشان، فقیه ربانی، حکیم متألّه، وارث علمی و عملی و گنجینه‌ی اسرار مرحوم آیه‌الله علامه‌ی طباطبایی - قدس سره - که به دلیل عدم رضایتش از ذکر نامش معذورم و زبانم از ذکر کمالات لا یدرک و لا یوصف آن انسان کامل گمنام عاجز است و او به حق از مصادیق این تعبیر استادشان مرحوم علامه‌ی طباطبایی در رساله‌ی الولایه می‌باشد که: «أما خصوصیات مقاماتهم فلا یحیط بها إلا عزّ أسْمُهُ». «رساله‌ی الولایه؛ ص ۲۰۶»

«فلانی می توانی اینجا بیایی؟!» عرض کردم بله. فوراً خودم را به منزلشان رساندم، به خیال آنکه بیماریشان تشدید شده و مشکل خاصی پیش آمده است. هنگامی که به محضر شریفشان رسیدم، دیدم که کاملاً برآشفته هستند و نگرانی از تمام چهره شان هویداست. باز نفهمیدم که چه اتفاقی رخ داده است. عرض کردم مطلبی پیش آمده؟! فرمودند بله. عرض کردم چه شده است؟! فرمودند: «حکایتی را آیه الله شهید، آقای مطهری - قدس سره - در رابطه با مرحوم آیه الله آقا میرزا محمدتقی شیرازی - قدس الله نفسه - نقل کرده اند که مرا نگران نموده است. عرض کردم چه حکایتی را؟! فرمودند: آقای مطهری نقل کردند که: «بزرگانی از علما را سراغ داریم که مقید بودند هیچ وقت کوچک ترین تجاوزی به حق کسی نکنند، این ها در داخل خانه، حاضر نبودند حتی یک بار به صورت یک امر، از همسر یا فرزندشان چیزی بخواهند. درباره ی مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی - رضوان الله علیه - که از مراجع تقلید بسیار بسیار بزرگ و امده مرحوم آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری - اعلی الله مقامه - بودند، نقل کرده اند که هیچ وقت به اهل خانه فرمان نمی داد. حتی یک وقت که ایشان مریض بودند و خانواده ی ایشان برایشان شوربا (آش برنج) تهیه کرده بودند، بچه ها آمده بودند و غذا را دم در گذاشته و رفته بودند. ایشان هم مریض و در گوشه ی اتاق بستری بود و نمی توانست از جا بلند شود، چند ساعت گذشت، وقتی آمدند دیدند غذا را نخورده است؛ چرا؟! برای این که مستلزم این بود که یکی از بچه ها را صدا کند و بگوید این کار را برای ایشان انجام بدهد. شبهه می کرد که آیا شرعا برای من جایز است زخم را از آشپزخانه صدا کنم و بگویم این کار را انجام دهد؟! حال [اگر] در آنجا کاری به میل و رضای خودش می کند و من هم به او دستور نداده ام و خودش می گوید که مایلم در آشپزخانه کار کنم



[مطلب دیگری است] اما کاری را که مستلزم این باشد که من به او فرمان دهم، نمی‌کنم.<sup>۱</sup>

استاد توحیدی ام - روحی فداه - پس از نقل این حکایت فرمودند: «حال بگو من چه کنم؟! من هیچ‌گاه به خانواده‌ام دستور نمی‌دادم، حتی در ظرف شستن به خانواده کمک می‌کردم، اما الان مجبورم بگویم: «این لیوان یا این قاشق را به من بدهید». شما بگویید چه کنم؟! می‌ترسم این دستور دادم و زر و وبال قیامتم شود.

عرض کردم: آقاجان، شما نگران نباشید، اگر خانواده رضایت قلبی داشته باشند و با کمال میل به شما خدمت کنند و از اینکه شما احتیاج به چیزی داشته باشید و نگویند، ناراحت می‌شوند که دیگر مشکلی نیست و اگر این حقیر را می‌خواهید عرض کنم که غلامی شما افتخاری است برای بنده؛ دیگر چه زر و وبال! اینجا بود که دیدم چهره‌ی درهم کشیده نگران ایشان از هم شکفته شد و آثار آرامش خاطر بر صورت مبارکشان ظاهر گردید.

پس بی‌جهت نیست که از عارف بزرگوار مرحوم آقا سید هاشم حداد - قدس سره - که از شاگردان سلوکی حضرت جمال العارفین مرحوم آیه الله آقا سید علی قاضی - قدس الله نفسه - بوده نقل شده است که می‌فرموده: «انسان اگر بخواهد واصل شود، شروع آن از خانه و زن و بچه می‌باشد».<sup>۲</sup>

۱. مجموعه آثار؛ ج ۲۳ ص ۲۸۵.

۲. دلشده؛ ص ۱۱۷.

## نکته

یکی از طالبان موعظه، نامه‌ای به ابوذر نوشت و از او تقاضای نصیحتی کرد. ابوذر هم در پاسخ درخواست او مرقوم فرمود: اگر توان داری، به کسی که دوستش داری بدی و ستم مکن «إِنْ قَدَرْتَ أَنْ لَا تُسِيءَ إِلَى مَنْ تُحِبُّهُ فَافْعَلْ» بار دیگر آن شخص نوشت که این مطلب واضح و روشنی است، آیا دیده‌ای که کسی به دوست عزیزش بدی و جفا کند؟! ابوذر در جواب نوشت: آری! عزیزترین افراد نزد تو، نفست می‌باشد و هیچ کس بیش از خود انسان نزد خویشتن عزیز نمی‌باشد، پس هنگامی که فرمان خدا را زیر پا می‌گذاری و گناهی مرتکب می‌شوی، در حقیقت به خودت بدی می‌کنی و جان خود را می‌آزادی و مستحق محرومیت و آتش می‌نمایی «نَفْسُكَ أَحَبُّ الْإِنْفُسِ إِلَيْكَ فَإِذَا عَصَيْتَ اللَّهَ فَتَجُزُّ وَجَلَّ فَقَدْ أَسَأْتَ إِلَيْهَا»<sup>۱</sup>

استاد توحیدی‌ام عارف واصل، حضرت حجة الحق آية الله پهلوانی - قدس سره - به این فقیر محض توصیه کردند که: «هرگاه مطلبی می‌گویی و سخن و موعظه‌ای داری، خودت را در مقابل بگذار و مخاطب اصلی قرار بده؛ و نسبت به سرنوشت معنوی و تربیت روحی دیگران هم بی تفاوت مباش، چرا که آنها ایتم آل محمد<sup>۲</sup> - صلوات الله علیهم - هستند و باید از ایشان دستگیری نمود».

۱. ارشاد القلوب؛ ج ۱ ص ۱۸۳.

۲. از حضرت رضا - روحی لتراتِ نعالِ زائریه فداء - نقل شده که فرمود: «روز قیامت به عابد گفته می‌شود تو مرد خوبی بودی و برای خودت کوشش کردی و زاد و توشه‌ی خود را فراهم ساختی اینک داخل بهشت شوید و از نتایج اعمال خود بهره‌مند گردید. لکن فقیه آن کسی است که جامعه را از علوم خود بهره‌مند گرداند و آنان را به طرف خیر و سعادت رهنمون شود و آنها را از چنگال دشمنان برهاند و از نعمتهای پروردگار آنان را بهره‌مند سازد و خشنودی خداوند را برای

بنا به این توصیه‌ی آن بنده‌ی مُخْلِص الهی و با الهام از نصیحت نامه‌ی ابوذر، نفس خویش را مخاطب اصلی قرار داده و با «ای عزیز» از او یاد کرده‌ام؛ امیدوارم در جان آلوده‌ام مؤثر افتد و جان به خواب غفلت فرو رفته‌ام را بیدار کند و نشرش برای طالبان قرب الهی راهگشا باشد، گرچه ورود بال و پرشکسته‌ای چون حقیر در چنین عرصه‌ای عِرْض خود بردن و زحمت خوانندگان دادن است.

ص - ج

۱۳۹۱/۵/۱۵ هـ. ش

مصادف با شب بیست و سوم رمضان ۱۴۳۳ هـ. ق

www.ketab.ir

آنها فراهم آورد. روز قیامت به فقیه گفته می‌شود ای کسی که از ایتم آل محمد - علیهم السلام - سرپرستی کردی و دوستان ضعیف آنها را راهنمایی نمودی، اینک از کسانی که از تو علم آموختند شفاعت کن؛ پس آن فقیه توقف می‌کند و مردم را دسته دسته با خود به بهشت می‌برد و اینان کسانی هستند که از وی و یا شاگردان او علم آموخته‌اند و تا روز قیامت هر کسی از گفته‌های این عالم استفاده کند مشمول شفاعت وی خواهد بود و اینک بنگرید بین فقیه و عابد چه فرقی است؛ «احتجاج؛ ج ۱ ص ۱۷؛ مسند الامام الرضا علیه السلام؛ ج ۱ ص ۸».